



کوروش احمدی
دیپلمات پیشین

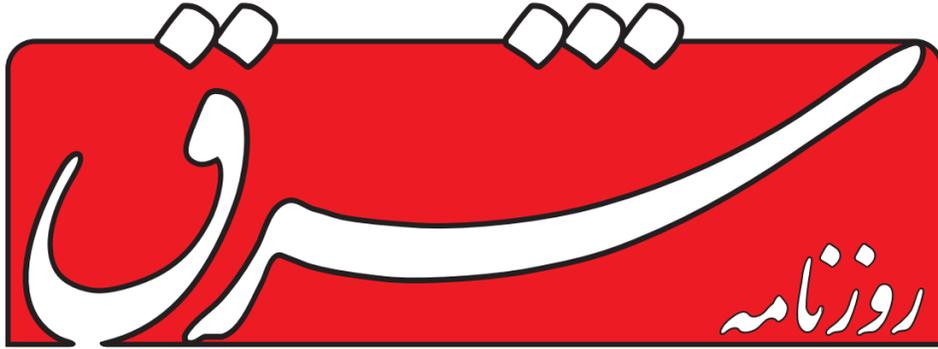
زور آزمایی جاری در تنگه هرمز عملاً به گرانبگاه جنگ دفاعی ایران در برابر تجاوزات آمریکا و اسرائیل تبدیل شده است. ایران نزدیک به دو هفته است که توانسته از طریق جنگی نامتقارن کنترل تردد در تنگه هرمز را به دست گیرد و موجب اختلال در تردد کشتی‌ها و نفتکش‌ها در این تنگه استراتژیک شود. تقابل در تنگه هرمز را به این دلیل می‌توان نامتقارن نامید، که در شکل کلاسیک و بین دو نیروی دریایی کلاسیک در حال انجام نیست. طرف مقابل هر امکانی که داشته از راه دور علیه نیروی دریایی ما به کار گرفته است. نقطه قوت ایران در این تقابل، توانایی در جنگ نامتقارن از طریق موشک‌های برد کوتاه و پهپادهایی است که از هر نقطه، دور و نزدیک، در دریا و خشکی، قابل پرتاب هستند. این موشک‌ها و پهپادها نامی دامنه‌داری را موجب شده و تاکنون به حدود ۱۸ شناور نافرمان در مدت دو هفته گذشته خسارت زده‌اند. غلبه بر ابزار پرتاب این موشک‌ها و پهپادها که در یک جغرافیای وسیع ساحلی و دریایی پراکنده‌اند، از طرف یک نیروی دریایی، هوایی و موشکی کلاسیک آسان نیست. در نتیجه، تردد در این تنگه به کمتر از نصف کاهش یافته و ایران در موقعیتی قرار گرفته که به برخی از شناورها اجازه تردد بدهد و مانع تردد برخی دیگر شود. اکنون عملاً تنها شناورهای ایران و کشورهای دوست یا بی‌طرف قادر به عبور از تنگه هستند.

این تحول نقش اصلی را در بالارفتن قیمت نفت تا حدود ۱۰۵ دلار (دوشنبه صبح) داشته است. اگر این وضعیت در تنگه ادامه یابد، کاهش شدید صدور نفت کشورهای عربی موجب کاهش شدید تولید نیز خواهد شد و خسارات عمده‌ای می‌تواند به سامانه‌های تولیدی در آن کشورها وارد شود. از سوی دیگر، با توقف واردات کشورهای عربی بحرانی نیز در سویه مصرف و کمبود کالاهای اساسی در کشورهای عربی محتمل خواهد بود.

در کنار سویه مثبت برای ایران به شرح فوق، یک سویه منفی نیز وجود دارد و آن شکل‌گیری خصومتی ریشه‌دار بین ایران و کشورهای عرب منطقه است. این سویه خطرناک با ادعای این کشورها مبنی بر حمله ایران به آنها شروع شد و در شکل تصویب یک قطع‌نامه مهم در شورای امنیت ادامه یافت. واکنش عرب‌ها ممکن است به این قطع‌نامه محدود نماند و در سناریویی محتمل، ممکن است دریافت خدمات مربوط به دوزدن تحریم‌ها به‌ویژه از امارات به شکل سابق ممکن نباشد. البته سوسویه خطرناک مهم‌تر اکنون نوع واکنشی است که آمریکا و متحدانش ممکن است نشان دهند. ترامپ خواستار آن شده که کشورهای عربی که در بازماندن تنگه هرمز ذی نفع هستند، با آمریکا برای بازنگه‌داشتن آن همراه شوند و کشتی جنگی به منطقه بفرستند. سوابق تاریخی نشان می‌دهد که پیش‌ازاین، در موارد متعدد ائتلاف‌هایی از کشورهای عربی که تمایل به اقدام نظامی داشته‌اند (coalition of the willing)، با یا بدون مجوز شورای امنیت، شکل گرفته و دست به عملیات نظامی هماهنگ زده‌اند. قطع‌نامه ۲۸۱۷ شورای امنیت که به درخواست شش کشور شورای همکاری خلیج فارس در ۲۳ اسفند تصویب شد، زمینه‌ای را برای این منظور فراهم کرده است. در بند ۸ این قطع‌نامه «هر اقدام یا تهدیدی از سوی ایران با هدف بستن یا ایجاد اختلال در دریانوردی بین‌المللی در تنگه هرمز و باب‌المنندب محکوم شده است» و «هرگونه تلاش برای جلوگیری از عبور ترانزیت قانونی یا آزادی دریانوردی در این آبراه‌های بین‌المللی در حکم تهدید جدی صلح و امنیت بین‌المللی» قلمداد شده است. با وجود این قطع‌نامه، احتمال اینکه شورا در یک قطع‌نامه دیگر اقدام دیگری انجام دهد، منتفی نیست. با توجه به اینکه این قطع‌نامه در شورا ۱۳ رأی مثبت به دست آورد و ۱۳۵ عضو سازمان ملل نیز بانی آن شدند، نباید احتمال وتوی آن از طرف چین و روسیه را زیاد دانست.

در چنین شرایطی سؤال این است که تاب‌آوری وضعیتی که در تنگه هرمز شکل گرفته، تا چه حد است و آیا ایران این بار نکاهی نیز به عاقبت کار خواهد داشت و متمایل به نقدکردن این اهرم مهم در عرصه دیپلماسی خواهد بود یا خیر.

سه شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۴
۲۷ رمضان ۱۴۴۷
۱۷ مارس ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۳۴۹
۳۰ هزار تومان
۴ صفحه



وزیر امور خارجه ایران:
به زودی جشن پیروزی
می‌گیریم

در «شرق» امروز می‌خوانید: خرید استارلینک با پرداخت ۵۰۰ میلیون تومان • حقوق و قضا در سالی که گذشت و چشم‌انداز سال ۱۴۰۵ / ابراهیم ایوبی

«شرق» از اهمیت کنترل تهران بر تنگه هرمز و آینده معادلات جنگ گزارش می‌دهد

برگ برنده در تنگه



گزارش میدانی «شرق» از حملات موشکی به بازار تهران که منجر به تخریب بخشی از یک بنای تاریخی و مغازه‌ها شد

زخم «گلستان» و کساد بازار

این تحول نقش اصلی را در بالارفتن قیمت نفت تا حدود ۱۰۵ دلار (دوشنبه صبح) داشته است. اگر این وضعیت در تنگه ادامه یابد، کاهش شدید صدور نفت کشورهای عربی موجب کاهش شدید تولید نیز خواهد شد و خسارات عمده‌ای می‌تواند به سامانه‌های تولیدی در آن کشورها وارد شود. از سوی دیگر، با توقف واردات کشورهای عربی بحرانی نیز در سویه مصرف و کمبود کالاهای اساسی در کشورهای عربی محتمل خواهد بود.

یادداشت

مایک ملتیم!



حسین حسینی
کارشناس اقتصادی

۱- هیچ جنگی برنده ندارد. البته هر طرفی می‌تواند خود را برنده جلوه دهد اما از نگاه مردم عادی که هزینه جنگ‌ها را می‌پردازند و از نگاه کارشناسان مستقل، شروع این جنگ، به‌غایت ابلهانه و ساده‌لوحانه بوده است و تداوم آن بی‌معناست و بعید است در پیچه‌ای رو به سوی آزادی و رفاه و توسعه و صلح و ثبات جهانی بکشاید. از منظر نظامی آنچه تاکنون واقع شده، برخلاف تصور جنگ‌افروزان و جنگ‌طلبان، نه جنگی راحت و چندروزه، بلکه جنگی سخت و سنگین بوده که روندی فرسایشی یافته که با گره‌خوردن با هدف‌گیری زنجیره تأمین و توزیع انرژی و مواد اولیه (نفت خام و میعانات گازی، گاز طبیعی، فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده، مواد معدنی، پتروشیمی و مواد اولیه صنعتی و...) که شاه‌رگ حیاتی منطقه و بسیاری از کشورهای پیشرفته در شرق و غرب جهان است، ابعاد فاجعه‌بار خود را بیش‌ازپیش نشان می‌دهد و این البته جدا از آسیب‌های انسانی است که با هیچ آسیب دیگری قابل قیاس نیست، که جان هر انسانی، ارجمندتر از هر چیز دیگری است.

۲- بعد دیگر ماجرا یقیناً سودای کسانی است که این جنگ را مسیر دستیابی به قدرت تصور کرده و با بازخوانی و درک ساده‌لوحانه از انقلاب ۵۷ و یک شبیه و توطئه خارجی پنداشتن آن، در توهم مشابه‌سازی آن‌اند. به باور این افراد با وقوع این جنگ و غلبه جنگ‌افروزان خارجی، آنان به قدرت رسیده و حکومت را تصرف می‌کنند و به جامعه متأسفانه مستاصل و معترض به ناکارآمدی‌های شدید اقتصادی و محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، رؤیای آزادی و عدالت و پیشرفت و توسعه را می‌فروشند و آسیب‌های فراوان و دهشتناک این جنگ را با ترسیم چنین مدینه فاضله‌ای توجیه و سفیدشویی می‌کنند و به‌راحتی چشم بر جان‌های عزیز مردم عادی و خشم و کینه و نفرت برآمده از آسیب‌های واردشده به مکان‌های فرهنگی و زیرساخت‌های اقتصادی و... می‌بندند.

این در حالی است که تجارب تاریخی و مطالعات و پژوهش‌های کارشناسی نشان داده است که گذر به توسعه و آزادی نه امری یک‌شبه و با جابه‌جایی قدرت آن‌هم از طریق جنگ با حمایت دولت‌های خارجی، بلکه روندی زمان‌بر و با همسازشدن کلیت یک جامعه و به‌ویژه ائتلاف مسلط «در سایه خشونت» داگلاس نورث و پذیرش تنوع

و تکثر اجتماعی و در مسیری آشتی‌جویانه ممکن می‌شود. اینکه شعار رفع فساد و رانت و آزادی و گشودگی اقتصادی در فردای تغییر ساختار سیاسی موجود در پرتو یک جنگ ویرانگر و سرکوب داخلی را دهیم، جز تحمیق جامعه نیست.

۳- اما همه ماجرا در طول حدود صد سال اخیر به نظر می‌رسد از آنجا آغاز شد که ایران به حاشیه رفت و سعی شد روایت‌های تک‌بعدی و تک‌صدایی، حاکم بر جامعه و فرهنگ بیچیده این سرزمین شود و این بیچیدگی در قالب مدرنیزاسیون و نه مدرنیته ساده‌سازی و معنا شود. روایت‌هایی که بدون توجه و تأمل در تقلاهای بی‌شمار برای رسیدن به دموکراسی و رواداری، چهره‌های گوناگون ناسیونالیسم، ظهور و سقوط رژیم‌های استبدادی و افسون‌زدایی از ایدئولوژی‌ها و درگیری‌های مداوم با قدرت‌های غربی و فرهنگ جهانی شده و... روایتی مطبوع و تک‌خطی از توسعه، «توسعه‌ای آمرانه» ساخته و به مردم خسته و صدمه‌دیده از پس این فراز و فرود تاریخی فروخته شود. بهشتی که واقعیت آن دولتی همه‌کاره و غیرپاسخ‌گو متکی به درآمدهای حاصله از نفت و گاز و منابع طبیعی و... است و ملتی برخوردار و ثروتمند اما نه خلاق و مبتکر و مولد و مالیات‌دهندگان مسئول و پرسشگر. شاید در همه یک قرن اخیر در بهترین حالت، «ایران» یک ایژه اتویایی خواستنی بود، مانند عجایب صنعتی مکانیکی که باید سر هم شود یا عمارتی که باید آراسته شود، و نه یک جامعه بیچیده، و اغلب نابسامان و محروم از آزادی بیان و... (تاریخ ایران مدرن، عباس امانت).

ایران به‌عنوان کلیتی که متعلق به همه ایرانیان با هر فرهنگ و زبان و مذهب و قوم و قبیله است، جنگ ۷۲ ملت و تضادها و خصومت‌هایی با گیرد که بقا و دوام این ملک و ملت را در خود فرو ببرد، هم آن‌چنان که در طی قرن اخیر در تلاشی‌ها و فروپاشی‌های دولت-ملت‌ها در این منطقه شاهد آن بودیم و خوشبختانه ایران عزیزمان از آن مصون و محفوظ مانده است «با تمثیلی محسوس ولی معیوب می‌توان گفت در میان محله‌هایی که ناشیانه تقسیم‌بندی شدند و دیگر مسکن مطلوب ساکنان‌شان نبودند، ایران مثل یک عمارت قدیمی، استوار بر جای خود ایستاد» (همان).

کهریزک پذیرای نذورات خیرین در ماه مبارک رمضان
۰۴۴۷-۱۰۵۱-۰۸۷۰-۰۲۹۵۰

موسسه خیریه کهریزک



گزارش تئیریکار
در صفحه ۲ بخوانید

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: ۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹